

سلسله‌ی قیام‌های شیعه
۲۰۱

قیامِ حُجْرینِ عَدی
(۵۱ هجری)

و
قیامِ تَوَّابون
(۶۵ هجری)

دکتر صادق آیینه‌وند

استادِ تاریخِ اسلام

دانشگاه تربیت مدرس

۱۳۸۷

سرشناسه	: آيينه‌وند، صادق، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پديدآور	: قيام حجرين عدی و قيام توأبون / صادق آيينه‌وند.
مشخصات نشر	: تهران، علم، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهري	: ۱۸۰ ص.
شابک	: 978 - 964 - 405 - 937 - 7
وضعيت فهرست‌نویسی	: فبا.
موضوع	: حجرين عدی، - ۵۱ ق.
موضوع	: قيام توأبين، ۶۵ ق.
موضوع	: شيعة - جنبش‌ها و قيام‌ها.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۳۳۲/۵/ج۳۳۲/۵
رده‌بندی ديويي	: ۲۹۷/۹۴۲
شماره کتابشناسي ملي	: ۱۲۰۶۴۸۶



نسخه

سلسله قيام‌های شيعة ۱ و ۲

قيام حجرين عدی (۵۱ هجری) - قيام توأبون (۶۵ هجری)

دکتر صادق آيينه‌وند

چاپ اول، ۱۳۸۷

تبراز: ۱۶۵۰ نسخه

ليتوگرافي: باختر

چاپ: آفتاب

خیابان انقلاب - بين خیابان فخررازی و دانشگاه شماره ۱۳۵۸ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۷ - ۹۳۷ - ۴۰۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۸۵۰ تومان

در نامه‌ای که به استنادارش در بصره (عُثْمَانُ بْنُ حُنَيْفٍ) می‌نویسد از او می‌خواهد تا به وی اقتداء کند و اگر چون او نمی‌تواند باشد، لااقل با رعایتِ چهار اصل و کسبِ چهار خصلت، همراه او خطا او گام نهد:

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرْنِهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِفَرْصِيهِ، أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أَعْيُنُوكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ.

«بدان! که هر رهبری شونده‌ای (آن که رهبری را پذیرفته باشد) را رهبری است که از او پیروی می‌کند و از چراغِ دانشِ او، روشنی می‌جوید. بدان! امامِ شما از تمامِ دنیایش، به دو تن‌پوشِ کهنه و از همه‌ی خوراکش، به دو گرده نان، بسنده کرده است. شما را یارایِ چنین کاری نیست، ولی مرا به پرهیزگاری (وَرَع) و کوشش و همگامیِ دایم در قول و عمل (اجْتِهَاد) و پاکدامنی و مناعت (عِفَّة) و درست‌اندیشی و درستکاری و تعهد (سَدَاد) یاری دهید».

خطی که امام علی (ع) ترسیم کرده بود، دیگر دشوار بود بَنیِ اُمَیَّه و بَنیِ عَبَّاس بتوانند با شعارهایِ فریبنده و قداست‌هایِ تصنعی، به انحراف کشانند و سخن در همین

جاست. شیعیان در اردوگاهِ مستضعفانِ تاریخ، خطِ روشنِ امام علی (ع) را پی می‌گرفتند و این طبیعی بود که با قدرت‌هایِ روزِ درافتند. شیعه بر اساسِ سنتِ مبارزه‌ی مُشخص و با تکیه بر تقیه، در طولِ تاریخ، خط‌مشی و جهت‌گیری، مُعینی را دنبال کرده است. جز این نیست که با صراحت باید گفت، شیعه در مبارزاتِ خود با طرحِ قرآن و امامت و تداومِ آن و تلاش برای عدالت، از هرگونه انحرافِ تاریخی در اصولِ اعتقادی و اسلامی کاملاً مُبرا بوده است.

چنین اصولِ روشن و حرکتِ مکتبیِ مُدَوّن بود، که سَفَاک‌ترین، دَذَمَش‌ترین و خونخوارترین، حلقه به گوشانِ اُموی و عباسی، هم نمی‌توانستند آن‌ها را بر جای بنشانند و یا از مبارزه‌ی مداوم، بازدارند. شیعه در زیارتِ عاشورا می‌خواند: «ای حسین و ای یارانِ حسین (ع)! با دوستانتان دوستیم و با دشمنانتان دشمن! از خدا می‌خواهیم که لیاقتِ خونخواهیِ شما را به ما ارزانی دارد و در پیرویِ از شما پیش از آن‌که از مصیبتانِ اندوهگین شویم، از درستیِ راه و قیامتان بهره بگیریم».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مُقَدِّمَه

با نام خدا و به مدد او صحنه‌هایی از تاریخ شکوهمند اسلام را در معرض قضاوت شما قرار داده و برآنیم تا ویژگی‌ها، ممیزات و اسباب استمرار قیام‌ها و نهضت‌ها را در ابعاد مکتبی آن‌ها بشناسانیم.

ما معتقدیم که تاریخ شیعه در قیام‌هایی خلاصه می‌شود که این قیام‌ها از سال ۵۱ تا ۲۶۰ هجری، در رابطه‌ای مستقیم با امامت و پس از آن تاریخ، با بهره‌گیری از استمرار آن، تداوم مکتبی و چهره‌ی خون‌رنگ خود را حفظ کرده است. بررسی، غور و تفحص در شرایط وقوع، عوامل بروز و اهداف آن‌ها، گذشته از آن که ما را با تاریخی شکوهمند و نمونه، آشنا می‌کند. بیش از هر چیز الگو و راهنمایی خواهد بود، برای بهره‌گیری و

اقتباس از منش انقلابی تشیع در خطِ امامتِ تاریخ، برای بنای جامعه‌ای بر اساس: قبله‌ی واحد، کتابِ واحد، امامِ واحد و اُمتِ واحد.

مقدمتاً باید گفت: که انقلاب‌ها و قیام‌های شیعی، دارای ابعادِ اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی است و ما سعی بر آن داریم تا این ابعاد را به گونه‌ای ملموس نشان دهیم. محتوای غنی عقیده‌ی اسلامی، بیش از هر چیز به نیکی توانسته، عاملِ آن چنان قیام‌ها و نهضت‌هایی باشد، که شاید تاریخ جهان کم به خود دیده است. توسل به چنین مبانی اعتقادی‌ای بود که ابعادِ سیاسی، فرهنگی و نظامی مبارزه‌ی آنان در تاریخ، تا آن اندازه گسترده و عمیق بود که مستضعفان به نیکی از این قیام‌ها استقبال کرده و از ابواء گرفته تا کمکِ مالی، نظامی، تبلیغ و ترویج در حقِ آن‌ها، خودداری نکرده‌اند. اهدافِ روشن، حق‌طلبی، طرفداری از بی‌پناهان و مظلومان، تکیه بر مردم، تلاش برای استقرار حکومتِ قرآن و صداقت و اخلاص فرماندهان و رهبرانِ نهضت‌ها، در طولِ تاریخ، بر کسی پوشیده نیست.

آلِ علی (ع) برای مردم چهره‌هایی ناشناخته نبودند. آلِ علی (ع) به قول شاعرِ آزاده و بلندآوازه‌ی شیعه کُمیت زید اَسَدی: «آن‌ها ایند که چون جنگ درگیرد و

شعله‌های حاصل از آن درهم پیچید، با تمام نیرو از حریم حقیقت، آزادی و عدالت پاسداری می‌کنند و برای این کار بس کفایت‌منداند. چون، کار دشوار شود و مسایل سیاسی و اجتماعی به اشکال خطرناک رخ نماید، اینان برای مردم، رهبرانی با کفایت‌اند، و به نیکی جامعه را از شر آن مشکلات، آسوده خواهند کرد. سروران و حامیان امت‌اند و به گاه بروز فتنه‌های سهمگین چون (حوادث ایام) از تمام مردم، بسان خانواده‌ی خود، حمایت می‌کنند.

اینان (آل علی (ع)) بهترین مربیان سیاسی جامعه و نیکو راهبران مردم‌اند، نه به گونه‌ی بنی امیه که به مردم زیردست چون چهارپایان می‌نگرند.^۱

کُمیت، در سرودن این اشعار، صفاتی را منظور کرده است که ما در زیارت جامعه‌ی

کبیره به امامانمان (ع) خطاب می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ ...

السَّلَامُ عَلَیْ أئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى ...

السَّلَامُ عَلَیْ الْأئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوَلَاةِ وَ الذَّادَةِ الْخُمَاةِ ...»

«سلام بر شما، مربیان و راهبران بندگانِ خداو ستون‌های برپا دارنده‌ی جامعه‌ی اسلام..

سلام بر امامان هدایت، رهبران صاحب ولایت و حامیان حق و خلق»^۲.

شروع قیام‌های مخفی و علنی شیعه:

شهادت امام علی (ع) و در نتیجه، سقوط حکومت عدل اسلامی، زمینه‌ی فعالیت را برای آشوبگران نابخرد (مارقون) و یاغیان و طاغیان و مُستکبران (قاسطون) و مال‌اندوزان و فرصت‌طلبان و اشراف (ناکثون)، نیک فراهم کرد. همان‌گونه که امام، در خطبه‌ی شَقِشِقِیَه اشاره دارد، این گروه‌ها تنها در برابر حکومت او قد برافراشته بودند. و آن هم در برابر حکومتی که با خواست مردمی بر سر کار آمده بود که به تعبیر امام، فشرده و به هم پیوسته چون موی گردن کفتار (كَعْرَفِ الضَّبْعِ)^۳. پس از ۲۵ سال تحمل، آگاهانه بر در خانه علی (ع) گرد آمده بودند و به اصرار و ابرام از او می‌خواستند تا بار دیگر دست عدالت را بر سرشان بکشد و برق شمشیر بُرانش را به نفع مستضعفان و محرومان تاریخ بجهاند و کفر و شرک و اشرافیت و نفاق را، بار دیگر به وحشت افکند. مردم نیک انتخاب کرده بودند، طلحه و زبیر را رها کردند، ابوسفیان را کنار زدند، سعد بن ابی وقاص و زاهدانی چون عبدالله بن عمر را ترک گفتند و یک راست به در خانه‌ی

امام علی (ع) رفتند. این خانه‌ای که به تعبیر شاعرِ اهل بیت (ع) کُمیت «خَوَاضِنُ الْأَيْتَامِ»^۲ سرپناه بی‌پناهانِ تاریخ و به تعبیرِ بزرگی، از همه‌ی تاریخ، بزرگ‌تر است.^۳

زمینه‌سازِ قیام‌های شیعه چه بوده است؟

پاره‌ای از مورخان غیر مُنصف چه از قُدما و چه از متأخران، و به تبعِ آن‌ها خاورشناسان، پیرامونِ قیام‌های شیعی، سخن‌ها گفته‌اند. و با تأسف باید گفت، بیشترِ نوشته‌هایِ آن‌ها را می‌توان به وضوح در آثارِ مَلَل و نَحْل‌نویسان و آنان که در تاریخِ ادیان و فِرَقْ می‌نگاشته‌اند، مُشاهده کرد. (البته این سخن به این معنا نیست که حقِ مورخانِ متعهد، مُنصف و امین را نادیده انگاریم. بلکه جایِ بسی خوشوقتی است که کسانی از آزاداندیشان و مورخانِ امانت‌دار، تقوایِ علمی را رعایت کرده، و در نگارش و تحقیق، صحنه‌ی ذهن را از پیشداوری‌هایِ حزبی، مرامی، سُنّتی و روزپسند، خالی کرده و حقایق را آن‌گونه که بوده، نگاشته‌اند). این جاست که کارِ تحقیق، آن هم در بابِ بررسیِ قیام‌هایِ شیعی، بس دشوار و اسناد، به علّتِ تحریف، مُتناقض و منابع، بسیار کم است. از این‌رو، برایِ فراهم آمدنِ نوشته‌ای و پژوهشی بی‌غِلّ و غش، آن‌گونه که در

خور مقام آن بزرگان به پا خاسته در ظلمت‌های تاریخ باشد، مستقیماً از تجربه‌ی پس سر، استمداد خواهیم کرد و متون روانی و جهت‌گیری و عملکرد امامان را که برخوردار از ویژگی‌های مکتبی است، پایه و اصل قرار می‌دهیم، تا منش تاریخی شیعه را با تکیه بر تجربیات تاریخی دریابیم. لهذا، برای ریشه‌یابی قضیه، به سراغ نهج البلاغه می‌رویم و سخن امام را محور قرار می‌دهیم.

علی (ع) بزرگ آن‌گاه که امور حکومت آشفته‌ی اسلامی را به دست می‌گیرد، به خوبی می‌داند که جامعه‌ی مسلمین، به چهار خصلت شرک‌آلود دچار آمده، و جز با تصفیه‌ای کامل و انقلابی درونی، دُشوار توان، آن خصلت‌ها را از دامن جامعه‌ی اسلامی زدود، امام می‌دانست که مردم به انحراف از توحید خبط و دور افتادن از جاذبه‌ی حق، شِماس، و سرعت، در رنگ‌پذیری و عدم ثبات شخصیت، تَلَوْن و به حرکت در پهنای راه به جای سیر در خط مستقیم توحید، اغتراض، دچار شده‌اند.

«فَمَنِ النَّاسُ لَعَمْرُ اللَّهِ بِخَبْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلَوْنٍ وَ اغْتِرَاضٍ»^۱.